نوری‌میسا، ریحانه؛ حسن‌زاده، محمد(۱۳۹۴). تعیین عناصر تشکیل‌دهنده مخزن دانش سازمانی در دانشگاه‌های کشور و ارائه یک چارچوب مفهومی. *پژوهش‌نامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۵ (۱)، ۱۹۱-۱۷۱.

تعیین عناصر تشکیل‌دهنده مخزن دانش سازمانی در دانشگاه‌های کشور و ارائه یک چارچوب مفهومی

ریحانه نوری‌میسا[۱]، دکتر محمدحسن‌زاده[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۳۰   تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۳۰

چکیده

هدف: *هدف عمده‌ی این پژوهش ارائه‌ی چارچوبی جهت ایجاد مخزن سازمانی در دانشگاه‌های کشور است. این پژوهش بیان می‌کند چگونه می‌توان برای ایجاد یک مخزن سازمانی اقدام کرد، و تنها مسائلی که پیرامون ایجاد یک مخزن سازمانی وجود دارد را شرح می‌دهد.*

روش: *پژوهش حاضر از نوع کاربردی-توسعه‌ای است. همچنین این پژوهش از نظر جمع‌آوری اطلاعات با روش توصیفی و مشاهده‌ی نمونه‌ها انجام گرفته است و از یک سیاهه‌ی وارسی به عنوان ابزار گردآوری اطلاعات استفاده شده است. چهار مخزن سازمانی مربوط به کالج سلطنتی لندن، دانشگاه علوم و فناوری هنگ کنگ، مدرسه بازرگانی آی‌سی‌اف‌ای‌آی و دانشگاه پردو به عنوان نمونه بررسی شدند.*

یافته‌ها: *با توجه به اطلاعات به دست آمده از نمونه‌ها، هر یک از عناصر مربوط به مخزن سازمانی مورد بررسی قرار گرفتند و محدوده‌ی مربوط به هرکدام مشخص شد. در نهایت ارتباط بین هر یک از این عناصر به وسیله‌ی یک نمودار نشان داده شد. دانشگاه‌های کشور با توجه به این مدل می‌توانند به ایجاد یک مخزن سازمانی در دانشگاه اقدام نمایند.*

کلیدواژه‌ها: *مخزن سازمانی، عناصر ساختاری مخزن سازمانی، عناصر محتوایی مخزن سازمانی، عناصر سیاستی مخزن سازمانی.*

۱.کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش شناسی دانشگاه تربیت مدرس، RN7484@gmail.com

۲. دانشیار دانشگاه تربیت مدرس، Hasanzadeh@Modares.ac.ir

مقدمه

امروزه سازمان‌ها برای رسیدن به اهداف و حفظ موقعیت خود نیازمند آن هستند تا سرمایه‌های فکری خود را به شیوه‌ی مؤثری مدیریت کنند. مؤسسه‌های آموزش عالی ودانشگاه‌ها ازجمله سازمان‌هایی هستندکه دارایی کلیدی آن‌ها دانش است. این سازمان‌ها در طول حیات خود به تولید، ذخیره و انتشار دانش می‌پردازند. این دانش باید طبق سازوکار مناسبی مدیریت شود تا بهره‌وری مناسب از آن به عمل آید. برای اجرای چنین سازوکاری به یک چارچوب مفهومی نیاز است. مخازن سازمانی می‌توانند چارچوبی برای مدیریت، سازماندهی، یکپارچگی و تسهیم دانش تولید شده در دانشگاه‌ها فراهم بیاورند.

مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش

طبق تعریفی که لینچ[1] (2013) ارائه داده است، یک مخزن سازمانی مبتنی بر دانشگاه درواقع مجموعه‌ای از خدمات است که یک دانشگاه به اعضای جامعه‌ی خویش، جهت مدیریت و انتشار منابع دیجیتال ارائه می‌دهد که این منابع بوسیله‌ی سازمان، و اعضای آن ایجاد شده‌اند. اما دکتر[2] (2008) مخازن سازمانی را فناوری‌هایی برای مدیریت و اشتراک دانش در سازمان‌های دانشگاهی می‌داند که به گردآوری، ذخیره‌سازی، نگهداری، نمایه‌سازی، و اشتراک سرمایه‌های فکری اعضای هیئت علمی و کارکنان پژوهشی می‌پردازند. در این تعریف مخازن سازمانی به عنوان ابزاری برای مدیریت دانش تلقی شده‌اند.

طبق تعریف بارتون و واترز[3] (2004)، مخزن سازمانی یک پایگاه داده با مجموعه‌ای از خدمات است، این خدمات شامل: گردآوری، ذخیره‌سازی، نمایه‌سازی، حفاظت و انتشار پژوهشات علمی دانشگاهی با فرمت دیجیتال است.

آلارد و دیگران[4] (2005)، مخازن سازمانی را مجموعه‌های رقومی می‌دانند که بازده فکری یک دانشگاه، سازمان و یا گروهی از آن‌ها را جمع‌آوری و نگهداری می‌کنند. همچنین تعریف دیگری ضمن تأکید بر بعد دسترس‌پذیری مخزن سازمانی، اینگونه بیان شده است: "یک نظام الکترونیکی که محصولات رقومی یک جامعه را گردآوری و نگهداری کرده و دسترسی به آن‌ها را فراهم می‌سازد" (Foster & Gibbons, 2005).

1. lynch
2. Doctor
3. Barton and Waters
4. Alard et al

از نظر کراو[1] (2002)، براساس یک تعریف سازمانی، درواقع مخازن سازمانی با مخزن‌های رشته‌گرا[2]، مخزن‌های موضوع محور[3]، و کتابخانه‌های دیجیتالی موضوعی که بجای ماهیت سازمانی، ماهیت موضوعی و رشته‌ای دارند متفاوت هستند.

وی (همان) چهار ویژگی را برای مخازن سازمانی ارائه می‌دهد این چهار ویژگی شامل موارد روبرو هستند: تعریف سازمانی، محتوای علمی، دارای حالت تجمعی (از نظر حجم محتوای مخزن) و دائمی، به صورت دسترسی باز و با قابلیت میانکنش‌پذیری[4]. گیبونز[5] (2004) نیز پنج ویژگی هسته برای مخازن سازمانی شناسایی کرده است: "محتوای دیجیتالی، وابسته به یک جامعه، پشتیبانی سازمانی، بادوام و دائمی، و محتوای قابل دسترس". همچنین جانسون[6] (2002) مخزن سازمانی را همراه با ۴ ویژگی کلیدی معرفی می‌کند: دارای منشأ سازمانی، پژوهش محور، تجمعی و فزاینده، و دسترسی باز.

اگر چه در خصوص مخازن سازمانی تاکنون پژوهش‌های متعددی صورت گرفته، اما در مورد تعیین عناصر تشکیل دهنده‌ی مخزن سازمانی و ارائه یک چارچوب مفهومی، تاکنون پژوهش مستقلی انجام نشده است. بر اساس آنچه در ادامه آمده است، یک سری از پژوهش‌ها به ارزیابی مخازن سازمانی و مطالعات موردی پرداخته‌اند، در حالی که برخی دیگر چگونگی ایجاد یک مخزن سازمانی در یک دانشگاه یا یک سازمان علمی را شرح داده‌اند.

پریرخ و زاهدی (2010) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی مخازن سازمانی دانشگاه فردوسی مشهد و سنجش میزان همخوانی آن با معیارهای تخصصی" به ارزیابی مخزن سازمانی دانشگاه مشهد پرداختند. هدف عمده‌ی این پژوهش، شناساییِ ویژگی‌های یک مخزن سازمانی و بررسی میزان همخوانی وضعیت کنونی مخزن سازمانی موجود (سیماد)، با آن ویژگی‌هاست. این پژوهش، از نوع کاربردی بوده است و با روش پیمایشی و مطالعه موردی انجام گرفت که در آن مشخصات یک مخزن مطلوب به شش گروه و یا معیار دسته بندی شدند. این دسته بندی، زیرساخت ابزارهای گردآوری اطلاعات، و نیز ساختار تحلیل اطلاعات به دست آمده را تشکیل داد. بر اساس چند دیدگاه، یعنی سازمان و سیستم‌ها و کاربران، وضعیت بررسی شد و اطلاعات گردآوری گردید؛ اطلاعات مربوط به سیستم از طریق سیاهه‌ی وارسی، اطلاعات مرتبط با سازمان با کمک مصاحبه، و دیدگاه کاربران از طریق پرسشنامه گردآوری شد. یافته‌ها نشان داد

1.Crow
2.discipline-specific
3.subject-oriented
4.Interoperable
5.Gibbons
6.Johnson

که در مورد خط‌مشی‌ها و مستندات و استفاده از سیستم، ضروریست در مخزن سازمانی دانشگاه، بازنگری شود. همچنین در مقایسه با معیارهای یک مخزن سازمانی مطلوب، به طور تقریبی، ویژگی‌های مخزن سازمانی دانشگاه فردوسی مشهد در حد متوسط قرار دارد.

در مقاله‌ای که توسط بارویک[1] (2007) با عنوان "ایجاد یک مخزن سازمانی در دانشگاه لافبورو: برخی تجربیات" نگارش شد، هدف از انجام پژوهش تهیه‌ی خلاصه‌ای از تجارب، در مورد ایجاد یک مخزن سازمانی در دانشگاه لافبورو با ذکر برخی چالش‌ها ذکر شده است. این مقاله شامل فرایندهای تصمیم گیری در طول دوازده ماه اجرای پروژه در مرحله‌ی آزمایشی است. یافته‌ها برخی از تجارب برجسته در زمینه‌ی چالش‌های پیش روی ایجاد یک مخزن سازمانی را نشان می‌دهد.

در پایان‌نامه‌ای که توسط کمپل مایر[2] (2008) با عنوان "مطالعه موردی توسعه‌ی مخزن سازمانی: شرحی بر ارزیابی و مدیریت انجام پروژه" انجام شد، توسعه‌ی مخزن‌ها در سازمان‌های آموزش دکتری مورد بررسی قرار گرفت، و عواملی که روی توسعه‌ی مخزن تأثیرگذار هستند را مورد شناسایی قرار داد. این عوامل شامل سازگاری، عوامل انگیزشی، و سودمندی‌های دریافتی از مخزن بودند. در این پژوهش ۹ سازمان ایجاد کننده‌ی مخزن به صورت موردی بررسی شدند. داده‌ها از طریق چندین منبع شامل یک مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته و تحلیل مدارک آرشیوی گردآوری شد.

در مقاله‌ی نگارش شده بوسیله‌ی بودیون و برانچفسکی[3] (2004) با عنوان "پیاده‌سازی یک مخزن سازمانی: تجارب بکارگیری نرم‌افزار دی.اسپیس در ام.آی.تی." برخی تجارب پیرامون پیاده‌سازی پروژه مخزن سازمانی بوسیل‌ه‌ی کتابخانه‌های ام.آی.تی.[4] شرح داده شد. در این مقاله بسیاری از ملاحظات سیاسی و سازمانی، که باید برای ایجاد یک مخزن سازمانی در نظر گرفته شوند و بسیاری از پرسشاتی که امکان دارد مجریان پروژه در آینده بخواهند به آن‌ها پاسخ دهند، بیان شده است.

همچنین پالمر، تفائو، و نیوتون[5] (2008) در مقاله‌ی دیگری با عنوان "شناسایی عوامل موفقیت در ایجاد مخزن سازمانی سی.آی.سی." هدف اصلی از انجام پژوهش، آگاهی در مورد موفقیت‌ها و مشکلات پیش روی ایجاد مخزن سازمانی بوده است. در این مقاله سه مخزن سازمانی با روش مطالعه‌ی موردی بررسی شدند. برای گردآوری اطلاعات از مشاهده وب‌سایت مخزن و مصاحبه با مجریان پروژه استفاده

1. Barwick
2. Campbell-meier
3. Baudion and Branschofsky
4. Massachusetts Institute of Technology
5. palmer, Teffeau and Newton

شد. در آخر راهبردهای مربوط به هر مخزن، مشخص شد که این راهبردها شامل: راهبردهای مربوط به حل مشکلات، راهبردهای همکاری‌های درون سازمانی و برون سازمانی، راهبردهای مدیریت سرمایه‌های فکری، نقش کتابداران، وظایف تیم پروژه، دیدگاه اعضای هیئت علمی، چالش‌های فرایند ایجاد پروژه و... بوده است.

در پژوهش دیگری که توسط پولترونیری[1] و دیگران (2010) با عنوان "راه‌اندازی یک مخزن سازمانی در مؤسسه ملی سلامت ایتالیا: نتایج بررسی" نوشته شد، هدف نگارشِ مقاله، شرح تجارب انتشار و توزیع مواد پژوهشی در مؤسسه آی‌اس‌اس[2] ایتالیا، در بخش زیست پزشکی بوده است. برای انجام این پژوهش یک پرسشنامه برای اعضای آی.اس.اس. فرستاده شد تا نظر پدیدآوران آثار در مورد مخزن سازمانی و طرح دسترسی آزاد پرسیده شود. با توجه به موقعیت پدیدآوران، اکثر قریب به اتفاق آن‌ها (۷۸درصد) پژوهشگر، پژوهشگر ارشد، و مدیران پژوهشی بودند. ۶۲ درصد این افراد عنوان کردند که با جنبش دسترسی آزاد آشنایی دارند؛ ۴۰ درصد ذکر کردند که منابع خود را رو صورت آزاد روی وب قرار می‌دهند؛ ۹۷درصد افراد گفتند که نسخه‌ی منتشر شده‌ی اثر خود را به مخزن سازمانی ارسال خواهند کرد؛ ۵۴ درصد افراد در صورتی که یک خط‌مشی از قبل تعریف شده تهیه گردد، با ارسال منابع خود به گنجبنه موافق بودند؛ و ۴۹ درصد افراد خاطر نشان کردند که آثار علمی خود را بدون اعمال هیچگونه محدودیت دسترسی یا محدودیت استفاده ارسال خواهند کرد.

در پژوهش دیگری با عنوان " از کتابخانه‌ی دیجیتال تا مخزن سازمانی: نگاه خلاصه‌ای به مسیرهای کتابخانه" که توسط باهلر و ترائرنیچت[3] (2007) انجام شد، هدف از انجام پژوهش، مرور کلی برای انتقال اولیه‌ی یک کتابخانه‌ی دیجیتال دانشگاهی به مخزن سازمانی بیان شد. در این پژوهش با استفاده از تحلیل‌های فلسفی و عملی، مشخص شد که استانداردهای فرادادە‌ای محتوا، ساختارهای داده‌ای، و سلسله مراتب مجموعه‌ها باید به صورت مداوم دنبال شوند و ذخیره‌سازیِ کافی برای رسانه‌های دیجیتالیِ درون مخزن سازمانی، باید قبل از تقاضاهای پیش‌بینی شده برای مخزن سازمانی و دسترسی مداوم به منابع، وجود داشته باشد.

پین فیلد[4] و دیگران (2002) در مقاله‌ای با عنوان "راه‌اندازی یک آرشیو سازمانی ای.پرینت" در

1.Poltronieri
2.ISS (Istituto Superior di Sanita)
3.Buehler and Trauernicht
4.Pinfield

مورد پروژه‌ی آزمایشی ای.پرینت[1] در دانشگاه‌های ادینبورگ و ناتینگهام[2] بحث کرده‌اند. بحث روی انواع مدارک، نگهداری، ارسال‌ها، و فرادادها متمرکز شده است. همچنین درمورد هزینه‌های توسعه‌ی مخزن سازمانی اطلاعاتی فراهم شده است.

با توجه به آنچه تاکنون در مورد ایجاد مخزن‌های دانش سازمانی ارائه شده است، می‌توان گفت که اکثر پروژه‌های انجام شده با موفقیت راه‌اندازی شده‌اند و بازخورد مثبتی داشته‌اند (Afshary& Jones, 2007; Barwick, 2007; Baudion and Branschofsky, 2004; palmer, Teffeau& Newton, 2008; Poltronieri&etal, 2010; pinfield&etal, 2002).

بیشتر پدیدآوران داخل سازمان‌ها نظر مثبتی در مورد دسترسی آزاد و ارسال منابع خود به مخزن دارند و اکثر آن‌ها در مورد سودمند بودن این مجموعه‌ها اتفاق نظر داشته‌اند (palmer, Teffeau& Newton, 2008; Poltronieri&etal, 2010). همچنین ابزار گردآوری اطلاعات در پیشینه‌های ذکر شده پرسشنامه، مصاحبه، مشاهده‌ی وب‌سایت بوده است. برخی از این پژوهش‌ها از مطالعات روی نمونه‌های موردی استفاده کرده‌اند تا بتوانند به تجارب بیشتری در زمینه‌ی ایجاد و راه‌اندازی مخزن‌ی سازمانی دست پیدا کنند.

جامعه مورد بررسی و روش گردآوری اطلاعات

در این پژوهش اطلاعات مربوط به چهار مخزن سازمانی به عنوان نمونه، با استفاده از یک سیاهه‌ی وارسی و با روش مشاهده گردآوری شد. این چهار مخزن، شامل مخازن سازمانی دانشگاه‌های کالج سلطنتی لندن[3]، دانشگاه علوم و فناوری هنگ‌کنگ[4]، مدرسه بازرگاهی مؤسسه آی-سی-اف-اِی-آی.[5]، و دانشگاه پردو[6] هستند. برای پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش از اطلاعات به دست آمده از این نمونه‌ها استفاده شد. انتخاب این مخازن توسط پژوهشگر، به چند دلیل صورت گرفت: اولین دلیل مربوط به خود دانشگاه ارائه دهنده‌ی مخزن سازمانی بوده است که تا حد امکان سعی گردید از دانشگاه‌های معتبر و مطرح استفاده شود. رتبه‌ی هر یک از این دانشگاه‌ها در Times Higher Education-QS World University Rankings مورد بررسی قرار گرفت. در سال ۲۰۱۳، دانشگاه پردو دارای رتبه‌ی ۶۹ جهانی،

1. EPrint
2. Universityof Edinburgh and Nottingham
3. http://spiral.imperial.ac.uk/
4. http://repository.ust.hk/dspace/
5. http://14.139.60.216:8080/xmlui
6. http://docs.lib.purdue.edu/

کالج سلطنتی لندن دارای رتبه‌ی ۸ جهانی، و دانشگاه علوم و فناوری هنگ‌کنگ دارای رتبه‌ی ۶۵ جهانی بوده است. همچنین در انتخاب این نمونه‌ها به مسئله‌ی پراکندگی جغرافیایی نیز توجه شده است. در واقع از آنجاییکه پراکندگی جغرافیایی، تفاوت در فرهنگ‌ها، زبان، و سنت‌های علمی را به دنبال دارد، حائز اهمیت بوده است. دلایل دیگر جهت انتخاب این چهار نمونه، مربوط به وب‌سایت مخازن سازمانی است؛ در انتخاب مخزن سعی شده است به سازماندهی محتوایی آن، میزان اطلاعات ارائه شده در قسمت درباره‌ی مخزن[1]، و راحتی استفاده از آن توجه شود. همچنین دلیل دیگر، به متون چاپ شده و گزارشات کاری موجود در زمینه‌ی ایجاد مخزن سازمانی،مربوط بوده است که بتواند به پژوهشگر برای گردآوری داده‌ها کمک کند.

تحلیل داده‌ها و پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش

۱.عناصر ساختاری ضروری برای مخزن سازمانی در نمونه‌ها،کدام‌اند؟

منظور از عناصر ساختاری در این پژوهش، ساختار مخزن به صورت خرد و کلان می‌باشد. که در حالت کلان اشاره به جایگاه مخزن در سلسله مراتب سازمان دارد، و در حالت خرد نشان دهنده‌ی ساختار محتوایی مخزن است که تابعی از ساختار پژوهشی سازمان می‌باشد (Van der Merwe, 2008). برای پاسخگویی به این پرسش به جدول ۱ که بر گرفته از نمونه‌های موردی است اشاره می‌شود. در اینجا ابتدا به حالت کلان پرداخته خواهد شد. با توجه به داده‌های بدست آمده از نمونه‌های موردی، هر دانشگاهی ساختار تشکیلاتی مربوط به خود را داشته است که در این ساختار، مخزن سازمانی جایگاه مناسب خود را دارد. واضح است که در چنین سلسله مراتبی مخزن سازمانی باید در جایی قرار بگیرد که وظایف ایجاد، راه‌اندازی، نگهداری، بهنگام سازی، و در آخر مدیریت آن را به عهده دارد.

جدول ۱. ساختار مخزن‌های نمونه‌های موردی در حالت خرد و کلان

		دانشگاه پردو[2]	مدرسه بازرگانی مؤسسه آی‌سی‌اف‌ای‌آی[3]	کالج سلطنتی لندن[4]	دانشگاه علوم و فناوری هنگ‌کنگ[5]
ساختار	زیر مجموعه‌ی کتابخانه	√	√	√	√
سازمانی	زیرمجموعه‌یمرکزفناوری اطلاعات	√	√	√	
سازماندهی	دانشکده‌ها	√		√	

1. About
2. Purdue university
3. ICFAI business school
4. Imperial college London
5. Hong Kong University of Science & Technology

جوامع	گروهای آموزشی و رشته‌ها	√	√	√	√
	مراکز علمی و پژوهشی	√		√	√

در اینجا چهار دانشگاه بررسی شدند که از این چهار دانشگاه، سه دانشگاه (دانشگاه پردو، کالج سلطنتی لندن، مدرسه بازرگانی مؤسسه آی‌سی‌اف‌اِی‌آی) مخزن سازمانی را به عنوان زیرمجموعه‌ی مرکز فناوری اطلاعات، و زیرمجموعه‌ی کتابخانه (راه‌اندازی پروژه با همکاری هر دو بخش بوده است) در نظر گرفته‌اند؛ اما دانشگاه علوم و فناوری هنگ‌کنگ مخزن سازمانی را تنها زیرمجموعه‌ی کتابخانه قرار داد و همه اقدامات مربوط به پروژه را به عهده‌ی کارمندان، و مدیریت کتابخانه گذاشت.

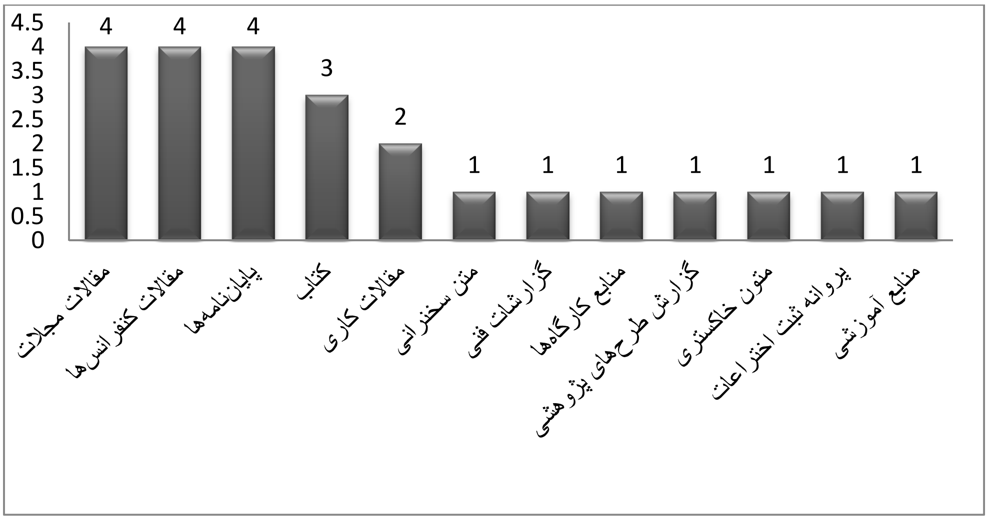
با توجه به اطلاعات به دست آمده از نمونه‌ها، و به دلیل اینکه ایجاد، راه‌اندازی، و مدیریت مخزن سازمانی، نیازمند تخصص‌هایی است که این تخصص ها هم در کارمندان کتابخانه و هم در کارمندان بخش فناوری اطلاعات وجود دارند، به نظر می‌رسد یک مخزن سازمانی باید به عنوان پروژه‌ی مشارکتی بین این دو بخش در نظر گرفته شود؛ و بدین ترتیب لازم است کتابخانه و مرکز فناوری اطلاعات در تکمیل وظایف خود برای ایجاد و راه‌اندازی مخزن سازمانی با یکدیگر مشارکت داشته باشند.

اما منظور از ساختار مخزن در حالت خرد، بحث مربوط به ساختار محتوایی و انتخاب و سازماندهی جوامع موجود در مخزن است. معمولاً ساختار مخزن از سلسله مراتب جوامع، مجموعه‌ها، اقلام، و فراداده‌ها تشکیل می‌شود. هر دانشگاهی بسته به دانشکده‌ها، گروه‌های آموزشی، مراکز پژوهشی، واحدهای علمی و غیره، ساختار درونی مخزن سازمانی مربوط به خود را تنظیم می‌کند. بین چهار دانشگاهی که بررسی شد، دانشگاه پردو و کالج سلطنتی لندن جوامع موجود در مخزن خود را بر پایه دانشکده‌ها، گروه‌های آموزشی و رشته‌ها، و مراکز علمی و پژوهشی سازماندهی کردند. همچنین مدرسه بازرگانی مؤسسه آی‌سی‌اف‌اِی‌آی بر اساس گروه‌های آموزشی و رشته‌ها، و دانشگاه هنگ‌کنگ بر پایه گروه‌های آموزشی و رشته‌ها، و مراکز علمی و پژوهشی جوامع مخزن را تنظیم نمودند. ممکن است بعد از سلسله مراتب جوامع، به سلسله مراتب مجموعه‌ها برسیم که منظور انواع اقلام اطلاعاتی (کتاب‌ها، مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها و غیره) هستند. اینکه چه مجموعه‌هایی را انتخاب کنیم مجدد به سیاست‌های سازمان و نظر افراد داخل سازمان بستگی دارد که در قسمت پرسش مربوط به عناصر محتوایی شرح داده می‌شود.

۲.عناصر محتوایی برای مخزن سازمانی در نمونه‌ها،کدام‌اند؟

به طور کلی منظور از عناصر محتوایی در این پژوهش، آن دسته از منابع و اطلاعاتی است که در مخزن قرار می‌گیرد. این منابع می‌توانند شامل هرنوع مدرکی که به عنوان خروجی دانشگاه در نظر گرفته می‌شوند، باشند. دانشگاه‌ها بسته به سیاست‌ها و انواع خروجی‌هایی که دارند محتوای مخزن سازمانی خود

را شکل می‌دهند. این محتوا می‌تواند شامل مقاله‌ها مجلات، مقاله‌ها کنفرانس‌ها، کتاب‌ها، گزارشات، پایان‌نامه‌ها، اسلایدها، فایل‌های صوتی و تصویری و ... باشد. همچنین در مورد هر یک از اقلام اطلاعاتی می‌تواند سطح دسترسی متفاوت باشد، که باید در خط‌مشی مربوط به مخزن سازمانی لحاظ گردد. نمودار۱ محتوای مخازن سازمانی مربوط به نمونه‌های موردی را نشان می‌دهد. همانطور که مشخص است محتوای مخزن‌ها با یکدیگر متفاوت است که این مسئله نشان‌دهنده‌ی تفاوت در سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها است.



نمودار ۱. محتوای مخازن سازمانی نمونه‌های موردی

بر اساس آنچه در نمودارمشاهده می‌شود، پایان‌نامه‌ها (۴)، مقاله‌ها کنفرانس (۴)، و مقاله‌ها مجلات (۴) بیشترین میزان حضور در مخزن‌ها را داشته‌اند؛ بعد از این اقلام، کتاب‌ها (۳) و مقاله‌ها کاری (۲) نشان داده شده‌اند. بقیه‌ی موارد با کسب فراوانی یک کمترین میزان حضور را در مخازن سازمانی دارند.

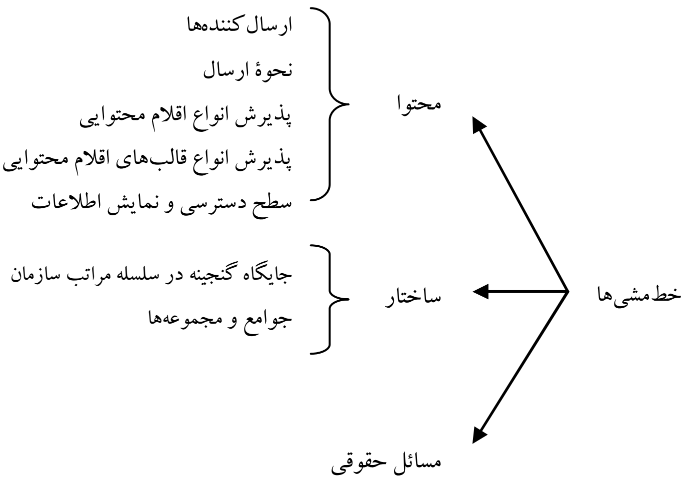
با توجه به اینکه کتاب‌ها، مقاله‌ها، و پایان‌نامه‌ها بیشترین میزان حضور در نمونه‌ها را داشته‌اند، به نظر می‌رسد وجود این اقلام در مخازن سازمانی بدیهی است. بقیه‌ی اقلام نیز به ترتیب میانگینی که کسب کرده‌اند می‌توانند در مخزن سازمانی وجود داشته باشند که همه‌ی این‌ها به سیاست‌های دانشگاه، بودجه‌بندی‌ها، نیروی انسانی، رضایت‌مندی افرادِ ارسال کننده‌ی محتوا، و نیاز سازمان مربوطه بستگی دارد.

۳.عناصر سیاستی برای مخزن سازمانی، در نمونه‌ها کدام‌اند؟

منظور از عناصر سیاستی در این پژوهش مسائل مربوط به خطی‌مشی‌ها است. هر سازمانی با توجه به خط‌مشی‌های کلی سازمان، خط‌مشی‌های مخزن سازمانی خود را تدوین می‌کند. این خط‌مشی‌ها همه

مسائل مربوط به چگونگی ایجاد و راه‌اندازی مخزن تا مدیریت و کنترل آن را در بر می‌گیرد.

خط‌مشی مربوط به مخزن سازمانی باید در مراحل اولیه‌ی فرایند ایجاد مخزن سازمانی تدوین شود. هر سازمان یا دانشگاهی که به ایجاد یک مخزن اقدام می‌کند لازم است تا به بررسی و نوشتن برخی خط‌مشی‌ها و دستورالعمل‌ها برای مجموعه‌اش بپردازد. هر دانشگاه قوانین خاص خود را دارد که به موجب آن نقش و دیدگاه‌های متفاوتی برای هر کدام شکل می‌گیرد. در همین راستا لازم است، یک گروه تهیه‌ی خط‌مشی ایجاد شود تا نیازهای منحصر به فرد، مشخص شده و خط‌مشی‌ها برای اداره‌ی خدمات،تدوین گردد. به طور کلی سه نوع خط‌مشی وجود دارد: خط‌مشی مربوط به محتوای مخزن سازمانی، خط‌مشی مربوط به ساختار مخزن سازمانی، و خط‌مشی مربوط به مسائل حقوقی.



شکل ۱. دسته‌بندی خط‌مشی‌های مربوط به مخزن سازمانی

خط‌مشی محتوا

خط‌مشی محتوا، تمامی آنچه به محتوای مخزن سازمانی مربوط می‌شود را در بر می‌گیرد. اولین بحث مربوط به آن، بحث ارسال‌کننده‌ها است. در خط‌مشی باید این مسئله که ارسال‌کننده‌های اقلام به مخزن، چه کسانی باشند، مشخص گردد. در بعضی از دانشگاه‌ها این ارسال، فقط به اعضای هیئت علمی محدود می‌شود در حالی که در برخی دیگر دانشجویان و کارکنان پژوهشی دانشگاه نیز مجوز ارسال را دارند.

همچنین در مورد آثار مشارکتی اینکه کدام یک از نویسنده‌ها وظیفه‌ی ارسال را به مجموعه داشته باشد، باید در بیانیه‌ی خط‌مشی منعکس گردد. مثلاً در خط‌مشی مربوط به دانشگاه پردو نوشته شده که در

مورد آثار مشارکتی حداقل یکی از نویسندگان منبع باید از اعضای دانشگاه باشد.

در مورد نحوه‌ی ارسال آثار به مخزن نیز باید مطالبی ذکر شود. مثلاً در برخی از دانشگاه‌ها مانند دانشگاه هنگ‌کنگ، این ارسال به صورت پیوسته و بدون واسطه صورت می‌پذیرد؛ اما ممکن است در سازمان‌های دیگر این ارسال بصورت دستی نیز وجود داشته باشد؛ یا از طریق واسط انجام شود.

معمولاً در دانشگاه‌هایی که اعضای هیئت علمی از کمبود وقت ابراز ناراحتی می‌کنند و این احتمال وجود دارد که این مسئله به عنوان مانعی برای همکاری آن‌ها با مجموعه عمل کند؛ از واسطه‌ها کمک گرفته می‌شود. ممکن است برای هریک از جوامع یک یا چندین نفر از کارمندان دانشگاه بکارگرفته شوند که به اعضای هیئت علمی در اسکن کردن و ارسال منابع به مخزن سازمانی کمک کنند. تمامی این مسائل، باید بصورت شفاف در خط‌مشی مخزن ذکر گردد.

پذیرش انواع اقلام اطلاعاتی به این معنی است که چه نوع از آثار (کتاب، مقاله، پایان‌نامه، و...) در مخزن قرار خواهد گرفت. در واقع در این قسمت از خط‌مشی باید به این پرسش پاسخ داده شود که محتوای مخزن شامل چه منابعی می‌گردد. همچنین باید انواع قالب‌های اقلام محتوایی مورد پذیرش نیز مشخص شوند. برخی از مخزن‌ها بسیاری از فرمت‌های صوتی، تصویری، و ... را در مجموعه‌ی خود جای می‌دهند، اما فرمت غالب در اکثر مخزن‌ها، پی‌دی‌اف.است؛ به عنوان مثال دانشگاه هنگ‌کنگ فرمت پی‌دی‌اف.را به عنوان فرمت پیش‌فرض مخزن سازمانی انتخاب می‌کند.

همچنین با توجه به بررسی که در سایت مخزن سازمانی کالج سلطنتی لندن، و مدرسه بازرگانی مؤسسه آی‌سی‌اف‌اِی‌آی صورت گرفت، مشخص شد که فرمت غالب در این دو مخزن نیز به صورت پی‌دی‌اف.بوده‌است. متأسفانه به دلیل محدودیت دسترسی به مخزن سازمانیِ دانشگاه پردو، در این زمینه اطلاعاتی به دست نیامد.

در مورد سطح دسترسی و نمایش اطلاعات نیز می‌توان سیاست‌های مختلفی اتخاذ کرد. مثلاً یک دانشگاه ممکن است تصمیم بگیرد دسترسی به همه منابع موجود در مخزن خود را به صورت آزاد و از طریق موتورهای جستجو در دسترس قرار دهد و از طرفی دانشگاه دیگری این دسترسی را به سازمان محدود می‌کند. حتی ممکن است دسترسی به بعضی اقلام مانند مقاله‌ها به صورت آزاد و بدون محدودیت باشد در صورتی که برای دسترسی به منبع دیگری مانند پایان‌نامه، سطح دسترسی و نمایش اطلاعات متفاوت باشد. جدول ۲ سطح دسترسی به اطلاعات را در نمونه‌های موردی نشان می‌دهد.

جدول ۲. سطح دسترسی در نمونه‌های موردی

		دانشگاه پردو	مدرسه بازرگانی مؤسسه آی‌سی‌اف‌اِی‌آی.	کالج سلطنتی لندن	دانشگاه علوم و فناوری هنگ‌کنگ
سطح دسترسی	دسترسی‌همراه‌بامحدودیت	√			
	دسترسی‌بدون‌محدودیت		√	√	√

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، محتوای مخازن سازمانی دانشگاه‌های کالج سلطنتی لندن، دانشگاه علوم و فناوری هنگ‌کنگ، و مدرسه بازرگانی مؤسسه آی‌سی‌اف‌اِی‌آی. به صورت جهانی قابل دسترس هستند، اما محتوای مخزن سازمانی دانشگاه پردو دارای محدودیت دسترسی است و افراد فقط در صورت داشتن نام کاربری و رمز می‌توانند از محتوای مخزن استفاده کنند. همچنین میزان نمایش اطلاعات در این مخزن‌ها متفاوت است. به عنوان مثال مخزن سازمانی دانشگاه هنگ‌گنگ تمامی منابع خود از جمله پایان‌نامه‌ها را به صورت آزاد دسترس‌پذیر کرده و امکان بارگذاری آن را فراهم کرده است، در صورتی که کالج سلطنتی لندن پایان‌نامه‌ها را فقط به اعضای خود ارائه می‌دهد و هیچ نوع اطلاعاتی بجز عنوان و نویسنده را از پایان‌نامه‌ها در سایت مخزن به صورت آزاد، قرار نداده است در حالی که سایر منابع به صورت آزاد در دسترس هستند.

خط‌مشی ساختار

خط‌مشی مربوط به ساختار، در وهله‌ی اول باید مشخص کند که یک مخزن سازمانی در چه سلسله مراتبی از سازمان قرار می‌گیرد. وقتی جایگاه مخزن سازمانی مشخص شد باید نیروهای متخصصِ مورد نیاز، مشخص شوند. خط‌مشی باید بیان کند که وظیفه‌ی ایجاد، نگهداری، مدیریت و کنترل مخزن با کدام بخش‌ها است و هر بخش چه وظایفی دارد.

بخشی از خط‌مشی نیز باید به بحث درباره‌ی جوامع و مجموعه‌ها بپردازد. اینکه به صورت کلی چه جوامع و مجموعه‌هایی برای مخزن انتخاب می‌شوند؛ سازماندهی آن‌ها به چه صورت انجام می‌پذیرد؛ هر یک از جوامع به چه گروه‌های علمی و پژوهشی مربوط می‌شود؛ وظایف کلی این جوامع به چه صورت است؛ و این جوامع چه منابعی را در اختیار مخزن قرار می‌دهند؛ از جمله مسائلی هستند که باید در خط‌مشی منعکس شود.

خط‌مشی مسائل حقوقی

در این قسمت از خط‌مشی، باید در مورد توافقنامه‌های مالکیت فکری و مسائل حقوقی بحث شود.

به طور کلی درباره‌ی اینکه افراد در مورد این مسائل چگونه باید اقدام کنند و چه توافقنامه‌هایی را در این زمینه دانشگاه در اختیار افراد قرار می‌دهد، بررسی‌هایی صورت می‌گیرد.

منظور از مسائل حقوقی در این پژوهش مسائل مربوط به جوازها و کپی‌رایت است. همانطور که پیش از این گفته شد، برای تعیین کپی‌رایت، هر سازمان با توجه به بیانیه‌ی ناشر و اجازه‌ی پدیدآور عمل می‌کند. دانشگاه‌هایی که به عنوان نمونه‌ی موردی مطالعه شدند، برای حل مسائل حقوقی شیوه‌های متفاوتی را بکار گرفته‌اند. جدول ۳ سیاست هر دانشگاه را در زمینه‌ی مسائل حقوقی نشان می‌دهد.

جدول ۳. مسائل حقوقی مربوط به نمونه‌های موردی

		دانشگاه پردو	مدرسه بازرگانی‌مؤسسه آی‌سی‌اف‌اِی‌آی	کالج سلطنتی لندن	دانشگاه علوم و فناوری هنگ‌کنگ
مسائل حقوقی	جواز ترکیبی کریتیو‌کامانز		–	√	
	شرپا/رومئو	√	–	√	√
	بیانیه‌ی کپی‌رایت اختصاصی	√	–		

همانطور که مشاهده می‌شود هر سه دانشگاه از شرپا/رومئو[1] برای گرفتن جوازها استفاده می‌کنند.کالج سلطنتی لندن علاوه بر شرپا/رومئو از جواز ترکیبی کریتیو کامانز[2] نیز استفاده می‌کند. همچنین دانشگاه پردو در این زمینه بیانیه کپی‌رایت اختصاصی دارد. متاسفانه در زمینه‌ی مسائل حقوقیِ مخزن سازمانی مدرسه بازرگانی مؤسسه آی‌سی‌اف‌اِی‌آی. اطلاعاتی به دست نیامد.

۴.ارتباط بین عناصر ضروری در قالب چارچوب مفهومی چگونه برقرار می شود؟

ارتباط بین عناصر ضروری مخزن، در قالب شکل ۲نشان داده شده است. همان طور که در شکل مشخص شده است، در مخازن سازمانی پدیدآورندگان می‌توانند هم به ارسال محتوا به مخزن اقدام کنند و هم دریافت کننده‌ی محتوا از مخزن باشند؛ در واقع یک فرد درون سازمان می‌تواند هم در نقش تهیه کننده‌ی محتوا (پدیدآورنده)، و هم در نقش استفاده کننده از محتوای مخزن باشد. جوامع موجود در مخزن سازمانی که دربرگیرنده‌ی پدیدآوران هستند، می‌توانند به دو شکل به ارسال منابع به مخزن بپردازند: ارسال با واسطه و ارسال بدون واسطه. در ارسال با واسطه، جوامع از طریق رابط کاربری به ارسال منابع به کتابخانه یا واگذار کننده‌ی واسط می‌پردازند. در هر دو نوع ارسال باید توافقنامه‌ی جواز توسط ارسال

---

۱. از سایت شرپا/رومئو برای دسترسی سریع به بسیاری از ضوابط انتشاراتی ناشران استفاده می‌شود.
http://www.sherpa.ac.uk/romeo/

۲. کریتیو کامانز در زمینه‌ی تهیه‌ی جوازها فعالیت می‌کند. هر یک از این جوازها را می‌توان برای آثار موجود در وب‌سایت مخزن سازمانی بکار گرفت.http://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/3.0/

کننده امضا شود.

در ارسال بدون واسطه، فرد از طریق خودآرشیوی منبع را به نرم‌افزار ارسال می‌کند. در این حالت خود فرد مسئول کنترل فراداده‌ها و همخوانی اثر با معیارهای مخزن است. در ارسال با واگذار کننده‌ی واسط، در صورتی که کتابخانه تشخیص دهد اثر مورد نظر با اهداف مخزن همسو است و از نظر اعتبار، سند دارای ارزش است، آن را با خط‌مشی‌های مخزن مطابقت می‌دهد. سپس فراداده‌های مربوط به آن بررسی می‌شوند. در هر کدام از این مراحل، این امکان وجود دارد که اثر به دلیل عدم تطابق با معیارهای مخزن، به ارسال کننده‌ی آن ارجاع داده شود. در آخر منبع مد نظر وارد نرم‌افزار مخزن می‌گردد، در این قسمت باید تشخیص داده شود که این منبع باید در کدام یک از جوامع یا مجموعه‌ها قرار داده شود.

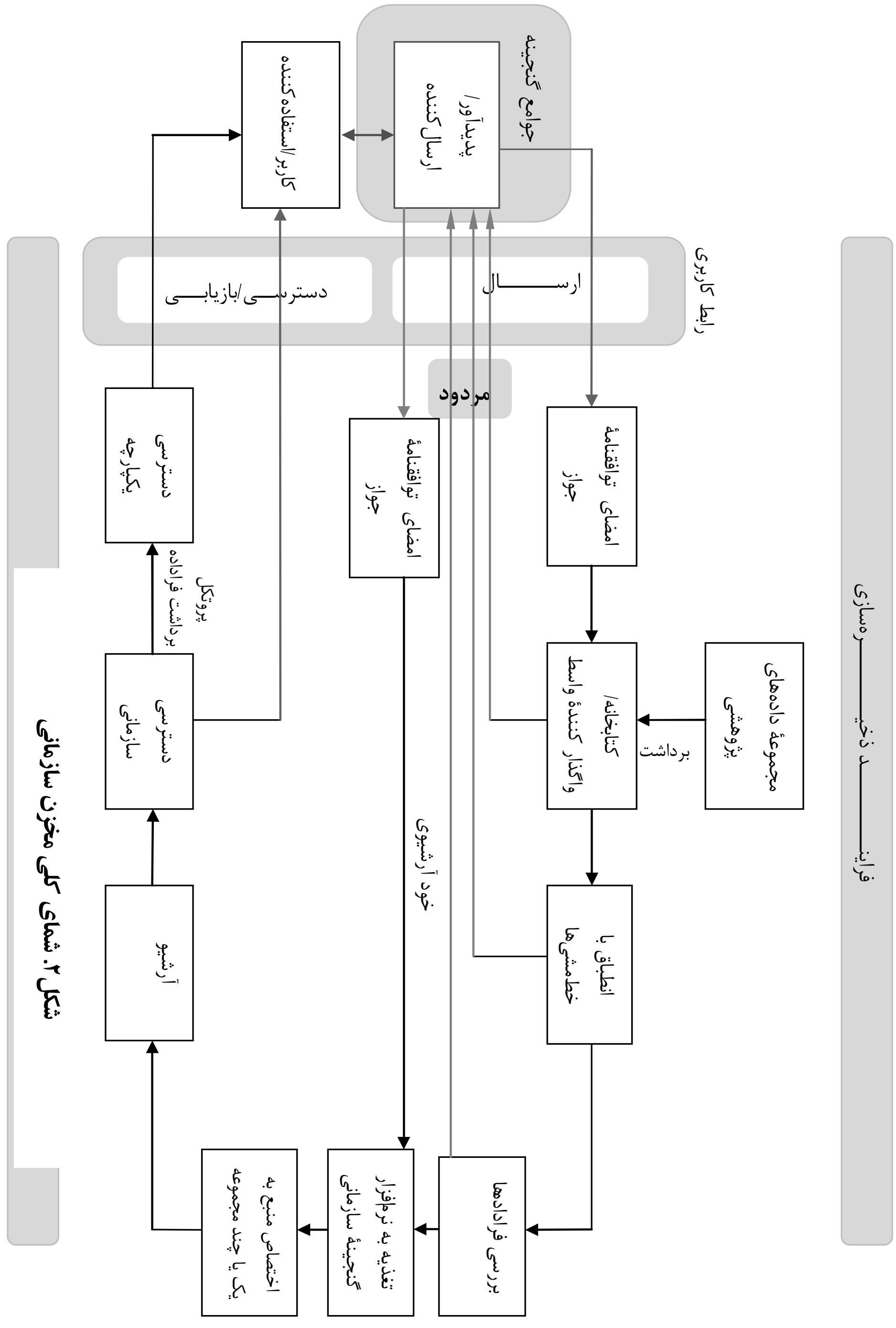
طبق آنچه که در شکل مشاهده می‌شود، کتابخانه می‌تواند یک سری داده را از مجموعه‌ی دیگری، به نرم‌افزار مخزن ارسال کند. چنین حالتی را ما در مخزن سازمانی کالج سلطنتی لندن و مدرسه بازرگانی آی‌سی‌اف‌اِی‌آی. مشاهده می‌کنیم. در کالج سلطنتی لندن قبل از اقدام به ایجاد مخزن، یک "نظام مرکزی انتشارات"[1] وجود داشت که بیش از ۱۳۰۰۰۰ رکورد کتابشناختی از انواع مختلف منابع را در خود جای می‌داد. پس از مدتی، به دلیل تقاضای زیاد دانشگاهیان برای دسترسی به متن کامل آثار، مخزن سازمانی اسپیرال راه‌اندازی شد و از فراداده‌های سازگارِ موجود در نظام انتشارات، جهت فراهم‌آوری اطلاعات کتابشناختی استفاده گردید (Afshary& Jones, 2007). همچنین در مدرسه بازرگانی آی‌سی‌اف‌اِی‌آی. قبل از ایجاد مخزن سازمانی در این دانشگاه، آثار علمی افراد از طریق "گزارشات پژوهشی سالیانه"[2] گردآوری می‌شدند که لازم بود اعضای هیئت علمی منابع خود را به آن ارسال کنند. در نتیجه در مرحله مقدماتی انجام پروژه، این منابع بوسیله‌ی کارمندان کتابخانه درون مخزن بارگذاری شدند (Doctor, 2007).

با توجه به شکل ۲، در آخر، منابع به صورت طولانی مدت آرشیو می‌شوند و مورد دسترسی قرار می‌گیرند. این دسترسی می‌تواند به صورت سازمانی و یا یکپارچه باشد. در صورتِ دسترسی یکپارچه، مخزن باید با پروتکل برداشت داده‌ها (OAI) سازگار باشد تا بتواند از طریق موتورهای جستجو مورد بازیابی قرا بگیرد. در صورت سازگاری مخزن با پروتکل برداشت داده‌ها، استفاده کننده از مخزن، می‌تواند درون سازمان یا بیرون از سازمان حضور داشته باشد، که این مسئله نشان دهنده‌ی قابلیت ارائه‌ی اطلاعاتِ مخزن سازمانی به دیگر سازمان‌ها است.

1.central Publications system
2.annual research reports

همانطور که مشاهده می‌شود، عناصر مخزن سازمانی در این فرایند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم گنجانده شده‌اند. در مورد عناصر ساختاری می‌توان گفت نحوه‌ی عمل مخزن نشان‌دهنده‌ی نیازمندی آن به دو نیروی متخصص در فناوری اطلاعات و علم اطلاعات و دانش شناسی می‌باشد که این مسئله جایگاه مخزن در سلسله مراتب سازمان را مشخص می‌کند.

همچنین در این نمودار جوامع به عنوان ارسال کننده، و مجموعه‌ها به عنوان سلسله مراتب موجود در مخزن، به صورت جزئی از عناصر ساختاری حضور دارند. عناصر محتوایی نیز به عنوان خروجی این جوامع، به مخزن ارسال گردیده و در نهایت توسط کاربران دریافت می‌شوند. در آخر با امضای توافقنامه‌ی جوازها و بررسی خط‌مشی‌ها، شاهد حضور عناصر سیاستی و حقوقی هستیم.



شکل ۲. شمای کلی مخزن سازمانی

نتیجه

مخازن سازمانی، ابزاری برای گردآوری، نگهداری، ذخیره، و اشاعه اطلاعات سازمانی هستند. تا کنون پژوهشی درباره عناصر مخزن سازمانی در کشور صورت نگرفته است. مخازن سازمانی در ایران به‌عنوان یک مسئله‌ی نوظهور به حساب می‌آیند. راهنمای مخزن‌های دسترسی آزاد[1] تنها ۴ مخزن سازمانی در ایران را فهرست می‌کند. این تعداد مخزن سازمانی برای کشورهایی که هدف آن‌ها رشد، استفاده، مدیریت و یکپارچگی بهتر دانش مربوط به خودشان است بسیار کم به نظر می‌آید. در واقع به دلیل ضرورتی که برای وجود مخازن دانش سازمانی در دانشگاه‌ها وجود دارد، سعی شده است تا در این پژوهش عناصر تشکیل‌دهنده‌ی آن بررسی گردد و چارچوبی برای ایجاد مخازن دانش سازمانی ارائه شود، از این طریق دانشگاه‌های سراسر کشور می‌توانند طبق این دستورالعمل به ایجاد مخزن سازمانی اقدام نمایند.

با توجه به اطلاعات به دست آمده از نمونه‌ها، در مورد هر یک از عناصر مخزن بحث شد. در رابطه با عناصر ساختاریِ مخزن در بعد کلان، در پژوهشی که توسط دکتر (Doctor, 2007) انجام شد، تصمیم گرفته شد که مدیریت مخزن سازمانی بر عهده‌ی بخش مرکز فناوری اطلاعات، توزیع کننده‌ها، و کتابخانه باشد. بر این اساس از اعضای هیئت علمی نظر خواهی شد. و نتایج نشان داد که ۶درصد افراد مسئولیت مدیریت مخزن را با توزیع کننده‌ها (پدیدآوران)، ۳درصد افراد مسئولیت را با کارکنان مرکز رایانه، ۲۱درصد مسئولیت را با کارمندان کتابخانه، و ۳۷درصد هر سه بخش را مسئول مدیریت مخزن سازمانی می‌دانند.

علاوه بر آنچه گفته شد، چگونگی سازماندهی جوامع، بستگی به علاقه و تعلقات دانشگاه مربوطه دارد. دانشگاه کانزاس، در پروژه‌ی مخزن سازمانی آر. آی. تی[2]، محتوای مخزن خود را ابتدا بر اساس دانشکده‌ها، سپس بر اساس رشته‌ها و حوزه‌های پژوهشی، سلسله‌مراتب موضوعی داد. پس از آن هر بخش به سه زیر مجموعه‌ی مواد پژوهشیِ اعضای هیئت علمی، مواد پژوهشیِ دانشجویان، و مجموعه اسناد مدیریتی تقسیم شد.

با توجه به اطلاعات گردآوری شده از نمونه‌های موردی و آنچه که قبلاً بیان گردید، ایجاد، راه‌اندازی، و مدیریتِ یک مخزن سازمانی، نیازمند تخصص‌هایی است که هم در زمینه‌ی فناوری اطلاعات، و هم در زمینه‌ی علم اطلاعات و دانش‌شناسی باشد؛ در نتیجه با توجه به داده‌های به دست آمده به نظر می‌رسد یک مخزن سازمانی باید در سلسله مراتب سازمان، زیرمجموع‌ه‌ی این دو بخش قرار بگیرد

1.OpenDOAR (http://www.opendoar.org)
2.RIT (Rochester Institute of Technology)

و با همکاری این دو بخش راه‌اندازی و مدیریت شود. همچنین در مقاله‌ی دکتر (همان) بیان شده است که مدیریت مخزن علاوه بر دو بخش فناوری اطلاعات و کتابخانه، بر عهده‌ی اعضای هیئت علمی نیز گذاشته است؛ که به نظر می‌رسد چنین چیزی منطقی جلوه نکند زیرا اعضای هیئت علمی مسئول مسائل مربوط به ایجاد، کنترل و ارزیابی مجموعه نمی‌باشند، مگر اینکه ارسال منابع به مخزن به شکل خودآرشیوی و بدون واگذار کننده‌ی واسط صورت بپذیرد.

همانطور که قبلاً گفته شد منظور از عناصر محتوایی در این پژوهش، آن دسته از منابع و اطلاعاتی است که در مخزن قرار می‌گیرد. در پژوهش نوشته شده توسط کورس، فیلیپس، و هنیگام (Kroth, Phillips & Hannigam, 2010)، محتوای علمی مخزن سازمانی ایجاد شده در دانشگاه نیومکزیکو[1]، انواعی از منابع زیر بیان شده است: (۱) منابع تکمیلی برای مقاله‌ها منتشر شده در مجلات داوری شده، (۲) اسلایدهای ارائه‌ها و کنفرانس‌های ملی و نشست‌های بین‌المللی، (۳) مقاله‌ها پژوهشی در مورد پژوهش‌های بالینی از دانشجویان کارشناسی ارشد فارق‌التحصیل از علوم انفورماتیک زیست پزشکی، (۴) پوسترهای تصویری همراه با چکیده یا بدون چکیده، درصورتی که این پوسترها برای کنفرانس‌های ملی یا نشست‌های منطقه‌ای پذیرش شده باشند.

همچنین در مقاله‌ی نوشته شده توسط والترز[2] (2006)، بیان شده است که محتوای علمی موجود در مخزن سازمانی اسمارتک[3]، شامل این منابع است: پایان‌نامه‌ها، گزارشات پروژه‌های پژوهشاتی سالیانه، گزارش نهایی پروژه‌ها، و مقاله‌ها فناروی.

در واقع هر سازمانی بنا به نیازمندی‌ها و خروجی علمی و سیاست‌های خود یک سری از منابع را در مخزن سازمانی قرار می‌دهد، اما با توجه به اطلاعاتی که از نمونه‌ها به دست آمد به ترتیب پایان‌نامه‌ها، مقاله‌ها کنفرانس، و مقاله‌ها مجلات، کتاب‌ها، و مقاله‌ها کاری بیشترین میزان حضور در مخزن‌ها را داشته‌اند. وجود بقیه‌ی منابع (مانند گزارشات فنی، منابع کارگاه‌ها، گزارش طرح‌های پژوهشی، متون خاکستری، پروانه ثبت اختراعات، متن سخنرانی) از یک سازمان به سازمان دیگر متغیر است.

همچنین، منظور از عناصر سیاستی در این پژوهش مسائل مربوط به جوازها، خطی‌مشی‌ها و حق مؤلف است. لام و چان (Lam and Chan, 2007) در مقاله‌ی خود یک سری از خط‌مشی‌هایی که در طول فاز مقدماتی پروژه مقرر شدند را اینگونه بیان کرده‌اند:

1.DspaceUNM
2.Walters
3.SMARTech (Scholarly Materials And Research at Georgia Tech)

• ایجاد مخزن سازمانی به صورت کاملاً باز و با دسترسی آزاد در سراسر جهان. اگر اعضای هیئت علمی خواهان دسترسی محدود باشند در نتیجه اثر آن‌ها پذیرفته نخواهد شد؛

• مخزن سازمانی تنها به عنوان نمایه‌ای همراه با پیوند به منابع خارج از سازمان عمل نمی‌کند، بلکه مخزنی از منابع علمی است. اگر کتابخانه حقوقی برای ارسال تمام‌متن منابع به مخزن ندارد، آن‌ها نمی‌توانند درون مخزن قرار بگیرند؛

• محتوا شامل هم منابعی است که قبلاً منتشر شده‌اند و هم منابعی که در حال انتشار هستند؛

• مخزن شامل منابع بی‌دوام مانند یادداشت‌های ترمی استادان، مطالب عامه‌پسند روزنامه‌ها و... (بجز متون خاکستری سازمان) نمی‌شود؛

• این اجازه به پدیدآورها داده می‌شود تا به صورت پیوسته به ارسال منابع خود بپردازند، توافقات را امضا کنند.

• اقتباس فرمت پی‌دی‌اف.به عنوان فرمت پیش فرض برای منابع؛

• ایجاد یک پایگاه واحد و متمرکز.

در همین مقاله ذکر شده است که تیم پروژه خط‌مشی‌های حق مالکیت فکریِ مربوط به مقاله‌ها مجلات را از طریق وب‌سایت ناشران و شرپا/رومئو مورد بررسی قرار دادند.

در آخر با توجه به متون بررسی شده و آنچه از نمونه‌ها به دست آمد، به طور کلی مسائل مربوط به خط‌مشی‌ها به سه دسته تقسیم شد. خط‌مشی مربوط به محتوای مخزن سازمانی، خط‌مشی مربوط به ساختار مخزن سازمانی، و خط‌مشی مربوط به مسائل حقوقی. هر کدام از این موارد بخش‌های فرعی‌تری را به خود اختصاص داده‌اند. در کل باید قبل از ایجاد مخزن سازمانی، افرادی به تدوین خط‌مشی‌هایی در این سه دسته مشغول شوند. این خط‌مشی‌ها باید با خط‌مشی‌های سازمان هماهنگ باشد.

پیشنهادات اجرایی

دانشگاه‌ها و سازمانی‌های علمی، دانش تولید شده و خروجی فکری اعضای جامعه‌ی خود را در بر می‌گیرند. این دانش تولید شده باید طبق سازوکار مناسبی مدیریت شود تا به ثمر بخشی برسد. هر چه میزان استفاده از این دانش تولید شده بیشتر باشد، هزینه‌های صرف شده برای ایجاد آن توسط اعضای سازمان، به میزان بیشتری توجیه‌پذیر است. بر این اساس، راه‌اندازی آرشیوها و مخازن سازمانی از جمله پیشنهادات کاربردی پژوهش حاضر می‌باشد.

برای این منظور برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی توسط کتابخانه و بخش‌های پژوهشیِ هر

سازمانی توصیه می‌شود. طی این دوره‌های آموزشی، افراد باید در وهله‌ی اول با سودمندی‌های دسترسی آزاد، و سپس با سودمندی‌های مخازن به عنوان ابزار مدیریت دانش آشنا شوند. در این دوره‌ها هم باید توان فنی افراد بالا رود و هم از این طریق برای ایجاد مخازن سازمانی فرهنگ سازی شود.

همچنین از آنجایی که نگرانی بابت مسائل حقوقی ممکن است یکی از مهم‌ترین موانع همکاری افراد در استفاده از مخازن سازمانی باشد، توصیه می‌شود در این زمینه، مجلات سیاست‌های حقوقی خود را مشخص نمایند و آن دسته از مجلاتی که انگلیسی زبان هستند در پروژه‌ی شرپا/رومئو شرکت کرده و موقعیت خود را در این زمینه مشخص نمایند. همچنین خود سازمان می‌تواند در این زمینه با ناشرانِ مربوطه مذاکره کند و بیانیه‌ی حق مؤلف اختصاصی تدوین نماید.

پیشنهادات پژوهشی

با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش، موارد زیر به عنوان موضوعات قابل بررسی در پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود:

- ✓ از آنجاییکه که یکی از پیامدهای مخازن سازمانی دسترسی آزاد است، پیشنهاد می‌شود روی فرهنگ دسترسی آزاد در دانشگاه‌های کشور پژوهش شود؛
- ✓ با توجه به سایت راهنمای مخازن دسترسی آزاد، ایران دارای ۴ مخزن سازمانی است. پیشنهاد می‌شود عملکرد این مخزن‌ها به صورت جزئی مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرد؛
- ✓ پیشنهاد می‌شود در مورد میزان پیاده سازی هر یک از این عناصر در دانشگاه های کشور بررسی صورت گیرد.
- ✓ پیشنهاد می‌شود تأثیر فرهنگ سازمانی، سیاست‌های ناشران، و جنبش‌های دسترسی آزاد روی میزان همکاری افراد با مخازن سازمانی مورد بررسی قرار بگیرد؛
- ✓ پیشنهاد می‌شود در مورد هر یک از این عناصر به تفکیک، به صورت جزئی‌تری به پژوهش پرداخته شود.

برخی اطلاعات مربوط به نمونه‌های موردی که در نمودارها و جداول ذکر شد مربوط به یک سری منابع بوده است، این منابع ممکن است در متن قید نشده باشند که در فهرست با علامت √مشخص شده‌اند.

References

Afshary, F., Jones, R. (2007). Developing an integrated institutional repository at Imperial College London. *electronic library and information systems*, 41(4): 338-352

Barwick, J. (2007). Building an institutional repository at loughborough University: some experiences. *Electronic library and information systems*, 41(2):113-123

Baudoin, P., Branschofsky, M. (2004). implementing an institutional repository: the

DSpace experience at MIT. *Haworth Press*, 24(01):31-45
Buehler, M.; Trauernicht, M. (2007). From digital library to institutional repository: a brief look at one library's path. *OCLC Systems & Services*, 23(40):382-394
Campell-meine, J. (2008). Case studies on institutional repository development: creating narratives for project management and assessment. Doctoral thesis. University of Hawaii.
Crow, R. (2002). The Case for Institutional Repositories: A SPARC Position Paper. *ARL Bimonthly Report 223*. Available at: http://works.bepress.com/ir_research/7. (Accessed 14/7/2013).
Doctor, G. (2007). Capturing intellectual capital with an institutional repository at a business school in India. *Library Hi Tech*. 26(1). 110-125.
Doctor, G. (2008). Determining the number of simultaneous users of an institutional knowledge repository at a management institute in India. *The journal of information and knowledge management systems*. 38(3). 334-347.
Dspace@GGSIPU. http://14.139.60.216:8080/xmlui. (Accessed 14/7/2013).
Gibbons, S. (2004). Establishing an Institutional Repository, Library Technology. 40(4).http://www.lib.purdue.ed. (Accessed 14/7/2013).
Imperial College London. http://spiral.imperial.ac.uk. (Accessed 14/7/2013).
Institutional repository. http://repository.ust.hk/dspace. (Accessed 14/7/2013).
Johnson, R. (2002). Institutional repository: partnering with faculty to enhance scholarly communication. *D-Lib Magazine*. 8(11).
Kroth, P., Phillips, H., Hannihan, G. (2010). Institutional Repository Access Patterns of Nontraditionally Published Academic Content: What Types of Content Are Accessed the Most? *Journal of Electronic Resources in Medical Libraries*. 7(3), 189-195.
Lam, K. T., Chan, D. (2007). Bulding an institutional repository: sharing experiences at the HKUST library. *OCLC Systems & Services: International digital library perspectives*. 23(3). 310-321.
OpenDOAR. http://www.opendoar.org. (Accessed 14/7/2013).
Palmer, C., Teffeau, L., Newton, M. (2008). Identifying factors of success in CIC institutional repository development, 40(4). Available: https://www.ideals.illinois.edu/handle/2142/8981. (Accessed 14/7/2013).
Parirokh, M., Zahdi, M. (2011). A study of institutional repository of Ferdowsi university of Mashhad (FUM), and it's compatibility with scientific criteria. *Information science and technology.* 2(2): 519-545. (In Persian)
Pinfield, S. Et al. (2002). Setting up an institutional E-Print Archive. Available: http://www.ariadne.ac.uk/issue31/eprint-archives. (Accessed 14/7/2013).
Politronieri, E., Morciano, C., Niglio, T., Sellitri, C., Solimini, R. (2010). Setting-up an institutional repository at the Italian National Institute of Health: survey results.
Swanepoel, M. (2005). Digital repositories: All hype and no substance?. *New Review of Information Networking*, 11(1).13-25.
Van der Merwe, A. (2008), Development and implementation of an institutional repository within a science, engineering and technology, Doctoral thesis. University of Pretoria etd.
Walters, T. (2006). Strategies and Frameworks for Institutional Repositories and the New Support Infrastructure for Scholarly Communications. *D-Lib Magazine*, 12(10).